



مركز بحوث الدراسات الاستراتيجية
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 23 February 2024
 Accepted 18 November 2024
 Published online 17 December 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 3, pp 133-154



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Security “Hedging”: An Analysis of China's Strategy in Confronting the US in Southeast Asia

Maryam Derakhshandeh Lazarjani ¹ , Nozar Shafiei ²

1. Ph.D. Student of Political Science, Department of Humanities and law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor of regional studies Tehran University, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: Nozarshafiei@ut.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Derakhshandeh Lazarjani, M. and Shafiei, N. (2024). Security hedging: An analysis of China's strategy in facing America in Southeast Asia. *Strategic Studies Quarterly*, 27(3), 155-185.

doi: [10.22034/srq.2024.486724.4211](https://doi.org/10.22034/srq.2024.486724.4211)



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

The rise of China as a major power is one of the most significant developments in global politics in the 21st century. As a result, this has sparked concerns from the United States and Southeast Asian countries. In response, Washington has implemented its grand strategy to enhance deterrence and maintain the balance of power in Asia through the "Pivot to Asia" and "Indo-Pacific" strategies. Chinese leadership, on the other hand, views these American strategies as intensifying the security dilemma in the region, which not only increases the likelihood of direct confrontation, but also poses a serious challenge to China's growth trajectory.

Given the current situation and China's desire for economic development and strategic engagement with Washington, the question is “What strategy should Beijing adopt to avoid being harmed by pressure from the United States and its allies in Southeast Asia?” China's actions suggest that it has adopted what is known as a “hedging” strategy to secure its strategic interests while avoiding confrontation with the US. Indeed, it seeks to foster its development by leveraging its strategic engagement with the US. In other words, Beijing has endeavored to respond decisively but with strategic caution, to avoid conflict with the US, prevent anti-balancing coalitions (by Southeast Asian countries), and ensure the continuation of its power growth.

The hedging strategy is a thoughtful approach that manifests as a cautious response to risks in a constructive, peaceful, and non-confrontational manner. It closely aligns with Beijing's peaceful diplomacy in the region, aimed at maximizing benefits and minimizing threats. In general, China's hedging strategy is based on two pillars: first, reassuring its surrounding environment (Southeast Asia) regarding the benign consequences of Beijing's growing power; and second, indirectly balancing the US through soft competition.

Methodology

The article's hypothesis is examined through a descriptive-analytical method and involves two main variables: First, the independent variable, which includes the "Pivot to Asia" strategy—a form of rebalancing by the United States against China—and the "Indo-Pacific" strategy, which represents an aggressive policy by the United States towards China. Second, the dependent variable is China's hedging strategy.

Result and discussion

The relationship between China and the United States, as two major powers, has ranged from cooperation to competition over the past two decades. Throughout this period, Chinese political leaders (from the second generation of leadership to the present) have sought to secure their interests and respond to threats by addressing structural and domestic factors. In essence, China's foreign policy has been based on economic growth aimed at peaceful development and strategic caution in the face of security risks. This approach has enabled Beijing to take steady steps towards continued economic growth and, in parallel, enhance and stabilize its power in the region as it entered the new millennium.

In the meantime, China's increasing role in Asia and its high potential to become a hegemon prompted the United States to operationalize its strategy to enhance deterrence and contain Beijing through the "Pivot to Asia" and "Indo-Pacific" strategies. In response, Beijing adopted the hedging strategy as its Asian policy.

Conclusion

Beijing's hedging strategy is structured in two layers. The initial layer itself has two dimensions. The first pertains to the mutual dependency between Beijing and the United States, which China seeks to maintain and exploit to sustain its power growth. The second relates to China's growing security concerns regarding threats from the US, which may lead to a confrontation. These considerations have driven China to manage its relations carefully and avoid geopolitical competition with the US. The subsequent layer concerns Beijing's response to US actions in its surrounding environment, namely Southeast Asia. In this regard, Beijing has attempted to overcome challenges posed by the US by adopting a "reassurance approach" to weaken any coalitions against China.

Keywords: *China; United States; Asia-Pacific; Strategic Competition; Strategic Engagement; Hedging Strategy.*



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۰۴ اسفند ۱۴۰۲
اصلاح شده در تاریخ ۱۲ آبان ۱۴۰۳
پذیرفته شده در تاریخ ۲۸ آبان ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۲۷ آذر ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۵، صفحه ۱۳۳-۱۵۴



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

مصون سازی امنیتی: تحلیلی بر راهبرد چین در مواجهه با آمریکا در جنوب شرق آسیا

مریم درخشنده^۱، نوذر شفیعی^{۲*}

۱. دانشجوی دکترای روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: Nozarshafiee@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی اصیل</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: درخشنده لرزجانی، مریم، و شفیعی، نوذر. (۱۴۰۳). مصون سازی امنیتی: تحلیلی بر راهبرد چین در مواجهه با آمریکا در جنوب شرق آسیا. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۳)، ۱۵۵-۱۸۵.</p> <p>doi: 10.22034/srq.2024.486724.4211</p>	<p>روابط چین و آمریکا به عنوان دو قدرت بزرگ، یکی از پرفراز و فرودترین روابط میان کشورهای جهان قلمداد می‌شود. این روابط طیفی از رقابت شدید تا همکاری پیچیده را در برمی‌گیرد. در حالی که این دو کشور خود را رقبای استراتژیک قلمداد می‌کنند، همزمان همکاری اقتصادی با یکدیگر را نیز یک ضرورت استراتژیک می‌دانند. در سال‌های اخیر علاقه به «رقابت استراتژیک» به جای «تعامل استراتژیک» از سوی آمریکا بیشتر شده است و نمود این مهم را می‌توان در استراتژی مهار واشنگتن در جنوب شرق آسیا علیه چین ملاحظه کرد. پرسش این است که با توجه به تمایل چین به توسعه اقتصادی و در نتیجه تعامل استراتژیک با واشنگتن، پکن چه استراتژی را باید در پیش گیرد تا در مقابل فشار ایالات متحده و هم‌پیمانانش در جنوب شرق آسیا دچار آسیب نشود؟ فرضیه مقاله این است که چین اساساً استراتژی مصون سازی را در دستور کار قرار داده است تا ضمن تضمین منافع استراتژیک خود، از رویارویی مستقیم با آمریکا پرہیز نموده و فرصت مناسبی را برای توسعه خود و استفاده از ظرفیت تعامل با آمریکا فراهم نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پکن پس از جنگ سرد متناسب با درک خطرات علیه منافع ملی خود، طیف متنوعی از استراتژی‌ها از جمله مصون سازی را اعمال کرده است.</p> <p>کلیدواژگان: چین، ایالات متحده، آسیا-پاسیفیک، رقابت راهبردی، تعامل راهبردی، مصون سازی.</p>



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ یکی از مهم‌ترین تغییرات در سیاست جهانی در قرن بیست و یکم است. روی دیگر این سکه، نگرایی‌هایی است که در خصوص ظهور چین از سوی آمریکا و کشورهای جنوب شرق آسیا بروز کرده است. متأثر از این نگرانی‌ها، واشنگتن استراتژی کلان خود را برای افزایش بازدارندگی و حفظ توازن قدرت در آسیا در قالب استراتژی چرخش به آسیا^۱ و استراتژی ایندو- پاسیفیک^۲ عملیاتی کرد. در مقابل، رهبران چین، استراتژی‌های جدید آمریکا را نشانه تشدید معمای امنیتی در حوزه جنوب شرق آسیا تفسیر نمودند به گونه‌ای که نه تنها احتمال رویارویی مستقیم میان پکن و واشنگتن را افزایش می‌دهد بلکه می‌تواند روند رشد چین را با چالش جدی مواجه سازد.

پرسش این است که تحت این شرایط و با توجه به تمایل چین به توسعه اقتصادی و در نتیجه تعامل استراتژیک با واشنگتن، پکن چه استراتژی را باید در پیش گیرد تا در مقابل فشار ایالات متحده و هم‌پیمانانش در حوزه جنوب شرق آسیا دچار آسیب نشود؟ عملکرد چین نشان می‌دهد که این کشور آنچه اصطلاحاً استراتژی مصون‌سازی^۳ خوانده می‌شود را در دستور کار قرار داده است تا ضمن تأمین منافع استراتژیک خود، از رویارویی مستقیم با آمریکا پرهیز نموده و فرصت مناسبی را برای توسعه خود و استفاده از ظرفیت تعامل با آمریکا فراهم نماید. به عبارت دیگر پکن سعی کرده است ضمن واکنش قاطع توأم با احتیاط راهبردی، از درگیری با آمریکا پرهیز نموده، مانع از ائتلاف‌های ضدموازنه (توسط کشورهای جنوب شرق آسیا) در برابر پکن شود و تداوم روند قدرت‌یابی خود را تضمین نماید.

با توجه به فرضیه فوق دو متغیر اصلی مقاله عبارتند از: متغیر مستقل شامل استراتژی چرخش به آسیا که نوعی بازموازنه از سوی آمریکا در مقابل چین قلمداد می‌شود و هم‌منظور استراتژی ایندو- پاسیفیک که نوعی سیاست تهاجمی را از سوی ایالات متحده علیه چین به تصویر می‌کشد و متغیر وابسته نیز استراتژی مصون‌سازی است. استراتژی مصون‌سازی یک استراتژی محاسبه‌گرایانه است که در شکل واکنش محتاطانه به خطرات به شیوه‌ای سازنده، صلح‌آمیز و بدون تقابل ظاهر می‌گردد. این استراتژی با دیپلماسی مسالمت‌آمیز پکن در منطقه

^۱ Pivot to Asia

^۲ Indo-pacific Strategy

^۳ Hedging Strategy

که هدف آن بیشینه‌سازی منافع و کاهش تهدیدات است، همخوانی نزدیکی دارد. استراتژی مصون‌سازی چین بر دو پایه استوار است: اول اطمینان‌بخشی به محیط پیرامون (جنوب شرق آسیا) در خصوص پیامدهای افزایش خوش‌خیم قدرت پکن و دوم موازنه غیرمستقیم با آمریکا در قالب رقابت نرم.

الف) ادبیات پژوهش

مرشایمر (۲۰۱۰) در مقاله «چالش چین با قدرت‌یابی آمریکا در آسیا»^۱ استدلال می‌کند که افزایش قدرت پکن در آسیا منجر به یک رقابت امنیتی شدید بین چین و واشنگتن می‌شود که پتانسیل قابل توجهی برای جنگ دارد. از سوی دیگر بیشتر کشورهای همسایه پکن در منطقه با توجه به ترس از افزایش قدرت‌یابی پکن نیز برای مهار قدرت چین به آمریکا خواهند پیوست. یان، کیو (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازی فوتبال به جای مسابقه بوکس: تشدید رقابت چین و آمریکا به معنای جنگ سرد نیست»^۲ استدلال می‌کند که تشدید رقابت دو کشور در آسیا بیشتر شبیه یک بازی فوتبال است تا یک مسابقه بوکس. این دو بازی هر دو شامل رقابت است اما ظاهراً مسابقه بوکس بسیار وحشیانه‌تر و از نظر فیزیکی رقابتی‌تر از بازی فوتبال است. این تشبیه نشان می‌دهد که رقابت چین و آمریکا اجتناب‌ناپذیر بوده؛ اما رقابت استراتژیک آنها با آنچه در جنگ سرد جریان داشته، متفاوت است.

فو (۱۴۰۰) در کتاب «جهان از نگاه چین» دورنمای امنیت منطقه را با توجه به رشد اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی و چالش‌های امنیتی چندگانه، واکاوی می‌نماید. نویسنده اشاره می‌کند که به‌رغم تلاش پکن برای ترویج ایده امنیت مشارکتی، امنیت منطقه تحت تأثیر سیاست مهار آمریکا و افزایش حس تهدید در منطقه، معمای امنیتی را تشدید می‌نماید.

هی و فنگ (۲۰۲۳) در کتاب «پس از مصون‌سازی: انتخاب‌های سخت برای کشورهای ایندوپاسفیک بین آمریکا و چین»^۳ با اشاره به تشدید رقابت استراتژیک آمریکا و چین طی دو دهه اخیر، با مطالعه موردی چهار کشور استرالیا، نیوزلند، سنگاپور و تایلند معتقدند که استراتژی‌های واشنگتن در منطقه و سیاست‌های دوگانه کشورهای فوق در همکاری و رقابت با

^۱ The Gathering Storm: China Challenge to US power in Asia

^۲ Football Game Rather than Boxing Match: China-US Intensifying Rivalry Does Not Amount to cold war

^۳ After Hedgign: Hard Choice for the Indo-Pacific States Between the Us and China

چین در قالب هزینه- فایده، ضمن پیچیده‌تر نمودن نظم منطقه، معمای امنیتی را برای چین در مثلث روابط با آمریکا و کشورهای منطقه ایجاد می‌نماید.

ژا، (۲۰۲۳) در مقاله «جنوب شرق آسیا در میان رقابت چین و آمریکا: تغییر قدرت و انتقال نظم منطقه‌ای»^۱ اشاره می‌کند که جنوب شرق آسیا، دورنمای رقابت کلیدی چین و آمریکا در آینده است و اختلاف‌نظر عمیقی در مورد اینکه آیا صعود اقتصادی چین ادامه خواهد یافت یا چین می‌تواند در همه جبهه‌ها با واشنگتن رقابت کند، وجود دارد.

ادبیات مطروحه در این بخش نشان می‌دهد که تلاش‌های پژوهشی مذکور عمدتاً معطوف به صورت‌بندی و بررسی سیاست‌های چین و آمریکا بوده است. حال آنکه تأکید این مقاله بر چگونگی مواجهه چین با خطرات خارجی در قالب طیف‌های متنوعی از استراتژی مصون‌سازی است.

ب) چارچوب مفهومی: استراتژی مصون‌سازی

استراتژی مصون‌سازی مفهومی اقتباس‌شده از مباحث اقتصادی است که در سال ۱۹۴۰ توسط اقتصاددانان مطرح شد. در این استراتژی سرمایه‌گذاران با سازوکارهای متنوع (خرید و فروش کالاهای مشابه به طور همزمان در دو بازار مختلف) سرمایه‌های خود را در برابر نوسانات بازار که ممکن است در آینده با آن مواجه شوند، بیمه (ایمن) می‌نمایند (Telci et al., 2021: 218).

پس از جنگ سرد، مفهوم مصون‌سازی در آسیا با توجه به پویایی منطقه و رقابت قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار گرفت (Haacke, 2019: 376). آنچه این مفهوم را به عنوان یکی از راهبردهای مهم در آسیا مورد توجه قرار داد، ماهیت محاسبه‌گرایانه و مبتنی بر آینده‌نگری آن بود. در واقع این مفهوم اشاره به راهبرد کشورهای در حال رشد برای تأمین منافع ملی از یک‌سو و همچنین پاسخ به اقدامات رقبا از سوی دیگر دارد. در یک بعد قدرت در حال رشد در مسیر توسعه اقتصادی و نظامی خود نیازمند تعامل و گسترش همکاری با سایر کشورها و قدرت‌های بزرگ است و از سوی دیگر روند تصاعدی قدرت روبه‌رشد آن، تهدیداتی را برای قدرت برتر و سایر رقبا به وجود می‌آورد. بر این اساس، قدرت بزرگ اقداماتی را به منظور مهار در برابر قدرت در حال افزایش انجام می‌دهد. در بعد دیگر کشورهای پیرامون قدرت در حال رشد نیز آن را

^۱ Southeast Asia amid Sino-US Competition: Power shift and regional order Transition

تهدیدی برای نظم منطقه‌ای می‌دانند و اقداماتی را به منظور موازنه در برابر آن انجام می‌دهند. به این ترتیب قدرت در حال رشد با خطر غیرمستقیمی از دو جبهه مواجه می‌گردد که در بلندمدت به تهدیدی جدی می‌تواند تبدیل گردد.

در مقابل، استراتژی کشور در حال رشد (چین) در برابر اقدامات قدرت برتر (آمریکا) و کشورهای پیرامون (جنوب شرق آسیا)، نخبگان کشور در حال رشد را وادار می‌سازد تا بر اساس محاسبات استراتژیک، مصون‌سازی را به عنوان استراتژی واکنشی برای جلوگیری از تقابل به کار بگیرند (Yuzhu, 2021: 11). محاسبات استراتژیک کشور در حال رشد در انتخاب استراتژی مصون‌سازی بر چند پایه استوار است: نیاز کشور در حال رشد به حفظ بقا، تأمین منافع، ثبات و امنیت؛ نیاز کشور در حال رشد به ثبات منطقه‌ای و محیط صلح‌آمیز برای تداوم رشد خود؛ نیاز کشور در حال رشد به تداوم همکاری با قدرت هژمون برای ادامه‌ی رشد خود؛ محدودیت قدرت کشور در حال رشد برای ایجاد موازنه سخت در برابر قدرت برتر.

سازوکار استراتژی مصون‌سازی در روابط بین‌الملل، ترکیبی انعطاف‌پذیر و محتاطانه از دو راهبرد موازنه و دنباله‌روی است که به طور همزمان از سوی کشور در حال رشد در برابر کشور مخاطره‌گر اتخاذ می‌گردد (Ciorciari & Haacke, 2019: 367). در این استراتژی، کشور مصونیت‌ساز به عنوان بازیگری فرض می‌شود که بر اساس منطق عقلانیت، مترصد حفظ بقا و افزایش امنیت نسبی خود است (Jackson, 2014: 340). آنها برای ایمن‌ساختن خود در برابر خطرات کشور تهدیدکننده نسبت به ارزش‌ها و منافع ملی‌اش، استراتژی دوگانه (تعامل و رقابت) را که نوعی راهبرد محاسبه‌گرایانه است در قالب مصون‌سازی دنبال می‌نمایند (Ciorciari, 2019: 524). این استراتژی اغلب در قالب تنوع‌بخشی به شرکا و متحدان به منظور بهره‌مندی از فرصت‌ها و کاهش خطرات اتخاذ می‌شود (Kuik, 2021: 302).

در ادبیات روابط بین‌الملل، مدیروس^۱ از پیشگامان تأثیرگذار در توسعه و شناخت ابعاد این واژه نوظهور و تحلیل استراتژی قدرت‌های بزرگ از جمله چین و آمریکا است. وی مصون‌سازی را شامل سیاست‌هایی می‌داند که از یک سو بر سازوکارهای تعامل و ادغام و از سوی دیگر بر رویکردهای موازنه (نرم) با هدف بازدارندگی در برابر قدرت تهدیدکننده بدون رویارویی مستقیم اشاره دارد (Haacke, 2019: 378). گاه^۲ از دیگر محققان، استدلال می‌کند دولت‌ها زمانی که

^۱ Mederios

^۲ Evelyn Goh

مایل به انتخاب یک موضع سیاسی نباشند (توازن، دنباله‌روی یا بی‌طرفی)، با اتخاذ راهبرد مصون‌سازی، درصدد به حداقل رساندن خطرات، به حداکثر رساندن منافع و اجتناب از وابستگی کامل به یک قطب قدرت، خواهند بود (Ye, 2020: 211-212). این راهبرد تا زمانی کارآیی دارد که اقدامات کشور هدف، ماهیتی غیرمتخاصم داشته باشد. زمانیکه کشور مصون‌کننده، اقدامات کشور هدف را تهدیدی امنیتی در نظر گیرد؛ این استراتژی تغییر ماهیت خواهد داد.

تسمان^۱ مصون‌سازی را راهبردی می‌داند که به موجب آن کشور مصونیت‌ساز از یک‌سو برای جلوگیری از تقابل و رویارویی مستقیم با قدرت برتر، تعامل و همکاری را تقویت می‌کند و از سوی دیگر با توجه به عدم اطمینان از نیت کشور هدف، توانمندی نظامی خود را ارتقا می‌بخشد (Hameed & Mufarge, 2022: 4344). کوئیک^۲ از دیگر پیشگامان در تبیین مصون‌سازی، این استراتژی را عمدتاً تابعی از سه شاخص عدم اطمینان نسبت به کشور هدف، درک خطر نسبت به منافع خود و همچنین داشتن منافع متقابل با کشور مخاطره‌گر می‌داند. در این راهبرد کشور مصونیت‌ساز با انتخاب راهبردی میانه (تعامل و رقابت) که از نظر وی نوعی ابهام استراتژیک است، مترصد بیشینه‌سازی منافع و کاهش خطرات است (Ye, 2020: 211).

بنا بر توضیحات فوق، استراتژی مصون‌سازی، نوعی سیاست ریسک‌گریز است که در عین حفظ استقلال سیاسی با همه قدرت‌ها همزمان در ارتباط است (Tan & Soong, 2023: 273). به عبارت دیگر این استراتژی نوعی میانه‌روی در سیاست خارجی است که کشور مصونیت‌ساز با رویکردی محتاطانه، راه سومی را که حد واسط دنباله‌روی و موازنه است، در پاسخ به خطرات به شیوه‌ای صلح‌آمیز و خویش‌نادرانه انتخاب می‌کند.

ج) استراتژی مصون‌سازی در سیاست خارجی چین

سیاست خارجی چین بر پایه منطق عقلانیت ابزاری و محاسبه‌گرایانه بر پایه سه لایه به پیش می‌رود. این سه لایه، شامل این سه پرسش است: اولویت و منافع اصلی کشور چیست؟ خطرات خارجی که پکن در جنوب شرق آسیا با آن روبرو است، کدامند؟ راهبردهای پکن برای تأمین منافع و پاسخ به خطرات چیست؟

^۱ Brock Tasman

^۲ Kuik Cheng- Chwe

• در پاسخ به اولین لایه در خصوص منافع اصلی، رهبران پکن در سند سیاست خارجی چین در آسیا^۱ (۲۰۱۷)، سند دفاع ملی چین در عصر جدید^۲ (۲۰۱۹) و متعاقباً تأکید آن در بیستمین کنگره حزب کمونیست چین در سال (۲۰۲۲)، اهداف اصلی سیاست خارجی چین را این گونه برشمرده‌اند:

حفظ اقتدار حزب کمونیست، توسعه اقتصادی با هدف کاهش فقر و افزایش استاندارد زندگی، اطمینان از دسترسی به تأمین منابع انرژی، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، حفظ یک محیط خارجی امن و پایدار برای تداوم رشد اقتصادی، افزایش قدرت ملی چین در کنار قدرت‌های بزرگ جهت دستیابی به نظم چند قطبی، ارتقا موقعیت منطقه‌ای چین، تقویت یکپارچگی منطقه‌ای و محدود کردن نقش قدرت‌های خارجی، رفع تصویر تهدیدزا از چین و اطمینان‌بخشیدن به محیط پیرامون و جامعه بین‌المللی، دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی شامل دفاع از آب‌ها و جزایر مهم در دریای چین شرقی، دریای چین جنوبی و دریای زرد (Lin et al., 2020: 23).

• دومین لایه در تدوین سیاست خارجی پکن، شناسایی خطرات و فرصت‌های خارجی است که کشور با آن مواجه است. روند سیاست خارجی پکن نشان می‌دهد که ادراک از خطرات، دشمنان و حامیان با توجه به تغییرات محیط خارجی متحول شده است. در دوران جنگ سرد، با توجه به فضای دوقطبی حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل و نگاه به شدت ایدئولوژیک نخبگان پکن، برداشتی سیاه و سفید حاکم بود و دشمنان، متحدان و تهدیدات نیز کاملاً مشخص بودند (آمریکا در جرگه دشمنان و شوروی، دوست تلقی می‌شد). این در حالی است که تغییر نگاه نخبگان چین در اواخر دهه ۱۹۷۰ از نگاه ایدئولوژیک به نگاه اقتصادی، منجر به تغییر ادراک چین از دشمنان شد و به همین دلیل تنش‌زدایی با آمریکا در دستور کار قرار گرفت. در ادامه نیز با پایان جنگ سرد که به معنی پایان ساختار دوقطبی (سیاه و سفید) و شفافیت استراتژیک بود، نخبگان پکن به درک چندبعدی از سیاست خارجی کشور واقف‌تر شدند.

همچنین این مهم در بیستمین کنگره حزب کمونیست چین در سال ۲۰۲۲ در خصوص نگرش جدید به محیط بین‌المللی و تهدیدات و چالش‌های روبه‌رشدی که چین با آنها مواجه

^۱ China foreign policy White paper

^۲ China Defense White Papers (1995-2019)

است، هشدار داده شده است. در این گزارش، ارزیابی بدبینانه‌ای از محیط خارجی چین، خطرات بالقوه و تهدیدات امنیت ملی مطرح و تأکید شد که کشور باید آماده باشد تا در مقابل «بادهای تند، آب‌های خروشان و موج و طوفان‌های سهمگین و خطرناک» ایستادگی کند. همچنین تصریح شد که چین وارد دوره‌ای شده است که در آن مخاطرات و چالش‌های استراتژیک بسیار جدی هستند و تلاش‌های خارجی برای مهار، محاصره و اعمال فشار حداکثری در برابر چین رو به تزاید است. هرچند در این گزارش صراحتاً به غرب و آمریکا اشاره نمی‌کند اما ارزیابی آن از محیط خارجی چین، نشان‌دهنده نگرانی‌های پکن بر سر تنش‌های فزاینده از سوی واشنگتن است (شیرغلامی، ۱۴۰۱).

در دوره اخیر نیز، با توجه به تلاش آمریکا برای هژمونی به عنوان نسخه جدید بین المللی، نگرانی‌هایی برای رهبران پکن ایجاد شد. تلاش آمریکا برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی در جنوب شرق آسیا و به دنبال آن تقویت روابط امنیتی با کشورهای منطقه در چارچوب اتحادیه‌های نظامی، شرایط امنیتی منطقه را نامطمئن تر و پیچیده‌تر ساخت زیرا پیامدها و خطرات آن تأثیر مستقیمی بر منافع پکن داشت. به عبارتی این تغییر شرایط ساختاری و درک خطرات پراکنده و عدم شفافیت حامیان و مخالفان، سیاست خارجی پکن را نامطمئن تر و سخت تر می‌نمود و آنها را به این باور رساند که آمریکا، مهمترین کشوری است که با وجود فرصت‌های مناسب اقتصادی، به طور بالقوه می‌تواند خطراتی را متوجه منافع پکن نماید.

بر این اساس با نگاهی محاسبه‌گرایانه، پکن می‌بایست به توسعه همکاری اقتصادی و امنیتی با واشنگتن مبادرت ورزیده تا از ظرفیت این تعامل در راستای تداوم رشد خود استفاده نماید. در این معنا، از یک سو در بعد امنیتی، با توجه به گسترش روابط دو کشور و «مشارکت استراتژیک سازنده» در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۷، طرفین تعهد خود را در خصوص همکاری در حل چالش‌های امنیتی از جمله تروریسم، مسائل سیاسی، نظامی و کنترل تسلیحات، مهاجرت، مبارزه با مواد مخدر، دزدی دریایی، حل بحران‌های اقتصادی جهان، مسائل آب‌وهوایی، انرژی و محیط زیست ارتقا بخشیدند. توسعه و تعمیق همکاری‌های امنیتی دو کشور پس از جنگ سرد به حدی رسید که برخی محققین حتی مفهوم G2 را برای دو کشور پیشنهاد دادند (Fangfei, 2019: 11).

از سوی دیگر در بخش اقتصادی نیز تلاش‌های پکن برای اصلاح و نوسازی، چین را به دومین اقتصاد بزرگ جهان و شریک مهم آمریکا تبدیل کرد؛ به طوری که تجارت کالا بین دو کشور از ۴٫۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۶۹۰٫۵۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت. صادرات آمریکا به چین نیز در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۱۵۳٫۸ میلیارد دلار بوده که از ۱۰۶٫۶۲ میلیارد

دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. واردات واشنگتن از چین به ۵۳۶٫۸ میلیارد دلار رسید که ۶٫۳ درصد (۳۱٫۸ میلیارد دلار) افزایش داشته است. در سال ۲۰۲۲، ۷٫۵ درصد از کل صادرات ۲٫۱ تریلیون دلاری آمریکا به جهان، به چین صادر شد و ۱۶٫۵ درصد از کل واردات آمریکا به میزان ۳٫۲ تریلیون دلار از چین وارد شد. به عبارتی در بین کشورهای جهان، آمریکا بیشترین حجم مبادلات تجاری را طی شش ماهه اول سال ۲۰۲۳ با چین داشته است (Us Census Bureau, 2023).

به‌رغم وجود چنین فرصت‌هایی که رهبران پکن را به ضرورت توسعه روابط با آمریکا ترغیب می‌نمود، درک خطرات متعددی که از سوی واشنگتن احساس می‌شد، زنجیره‌ای از معمای امنیتی، رقابت‌ها و احساس آسیب‌پذیری را برای چین ایجاد نمود. تصورات از چنین خطرات و چالش‌های بی‌شماری که پکن به ویژه پس از جنگ سرد از ناحیه آمریکا با آن مواجه بود، طیف متنوعی از موضوعات را دربرمی‌گرفت که در چهار سند مهم از جمله استراتژی امنیت ملی کاخ سفید ۲۰۱۷، استراتژی امنیت ملی وزارت دفاع ۲۰۱۸، استراتژی ایندو پاسفیک ۲۰۱۹ و استراتژی دفاع ملی ۲۰۲۲^۱ به صراحت به آن اشاره شده است. جوهره اصلی این اسناد عبارت است از: جلوگیری از تسلط چین، حفاظت از منافع ایالات متحده، متحدان و شرکا و حفظ نظم منطقه‌ای به رهبری آمریکا. همچنین در سند راهبردی جدید ناتو (۲۰۲۲) نیز پکن به عنوان کنشگری ترسیم شده است که در پی اخلال در نظم بین‌المللی است. در ادامه نیز جاه‌طلبی‌ها و سیاست‌های قهرآمیز چین، تعمیق همکاری راهبردی پکن و مسکو و تلاش‌های آن‌ها برای تضعیف نظم بین‌المللی، مهم‌ترین چالش برای منافع، امنیت و ارزش‌های ناتو اعلام شده است (مجیدی و ثمودی، ۱۴۰۲: ۲۰۱).

با توجه به اسناد فوق، تعارض منافع در مناطق دریایی (چین جنوبی و شرقی) و تایوان به عنوان اولین حلقه امنیتی چین، به کانون اصلی رقابت دو کشور و تشدید معمای امنیتی در منطقه تبدیل شده است و پکن اقدامات واشنگتن را نمادی از موازنه قدرت در منطقه و تشدید تنش‌ها می‌داند (Afridi, 2019: 160). از دیگر مؤلفه‌های ادراکی رهبران پکن نسبت به وجود خطرات از سوی آمریکا، تغییر در استراتژی دفاعی واشنگتن در چارچوب استراتژی مهار است که به وضوح در قالب راهبردهای چرخش به آسیا در دوره اوباما و همچنین استراتژی ایندو- پاسفیک

^۱ استراتژی دفاع ملی آمریکا (۲۰۲۲) حفظ و تقویت بازدارندگی در برابر چین را مهمترین هدف خود می‌داند. در بخشی از این سند آمده است که درگیری با چین نه اجتناب‌ناپذیر است و نه مطلوب و تلاش برای توسعه تعامل با چین و مدیریت رقابت استراتژیک مولفه‌ای مهم در تنظیم روابط طرفین است.

در دوره ترامپ، در دو بعد اقتصادی و امنیتی- نظامی با هدف مهار چین به شکل رقابتی‌تر در دستور کار قرار دادند.

سومین شاخصه معمای امنیتی در روابط دو کشور، اتحادهای دوجانبه آمریکا در منطقه است. از نظر پکن، واشنگتن، کشورهای پیرامون رادر قبال افزایش قدرت چین حساس نموده و آن را تهدیدی برای امنیت آنها جلوه می‌دهد و این امر انگیزه بالقوه‌ای را در کشورهای پیرامون جهت موازنه استراتژیک در برابر چین از طریق اتحاد با آمریکا به وجود آورده است. این روند در نهایت به توسعه پایگاه‌های آمریکا از هاوایی تا مانیل منجر شده است (Rudolph, 2018: 189). مصداق عینی گسترش اتحادها و مشارک‌های استراتژیک به عنوان مهم‌ترین ابزار آمریکا برای مهار پکن، طی شش دهه گذشته، اتحادهای موسوم به سیستم سانفرانسیسکو (اتحادهای دفاعی) است. همچنین در اتحادهای جدید نشست وزیران دفاع آسه‌آن^۱، پیوستن به پیمان دوستی و همکاری آسه‌آن^۲، عضویت در اجلاس آسیای شرقی^۳، حضور در سازمان منطقه‌ای آپک^۴ و پیمان مشارکت ترانس پاسفیک^۵ قابل اشاره است. در سال‌های اخیر نیز گفتگوهای امنیتی چهارجانبه موسوم به کواد^۶ (آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا) و در ادامه نیز توافق امنیتی سه جانبه «آکوس»^۷ (استرالیا، انگلیس و آمریکا) در چارچوب همکاری‌های نظامی به عنوان بخشی از ائتلاف‌سازی‌های امنیتی چندجانبه واشنگتن در منطقه شکل گرفته است (قلخانباز و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۰).

سومین لایه در سیاست خارجی پکن، اشاره به راهبردهای کشور در پاسخ به خطرات دارد. به عبارتی پکن استراتژی خود را در آسیا با توجه به منافع و درک خطرات مورد اشاره، در راستای توسعه صلح‌آمیز تحت عنوان مصون‌سازی تعریف نموده است. منطق این استراتژی یک انتخاب آگاهانه است که ریشه در عوامل ساختاری و داخلی دارد.

^۱ ASEAN Defense Ministers Meeting (ADMM)

^۲ Treaty of Amity and Cooperation in Southeast Asia (TAC)

^۳ East Asia Summit (EAS)

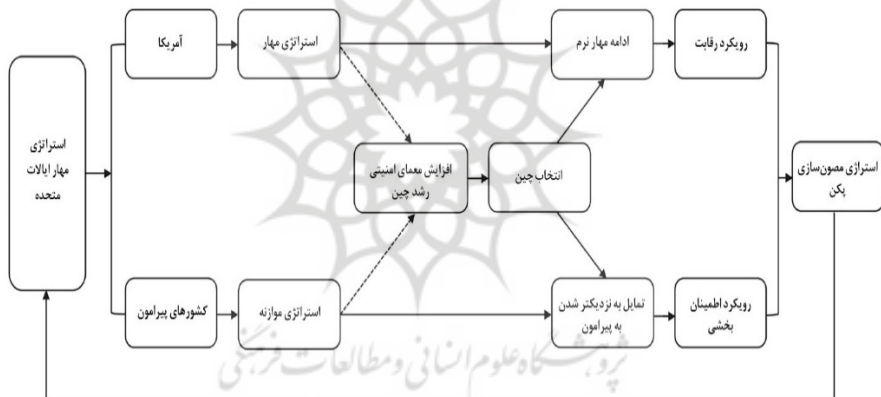
^۴ Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)

^۵ Trans-Pacific Partnership (TPP)

^۶ Quadrilateral Security Dialogue (QSD)

^۷ AUKUS

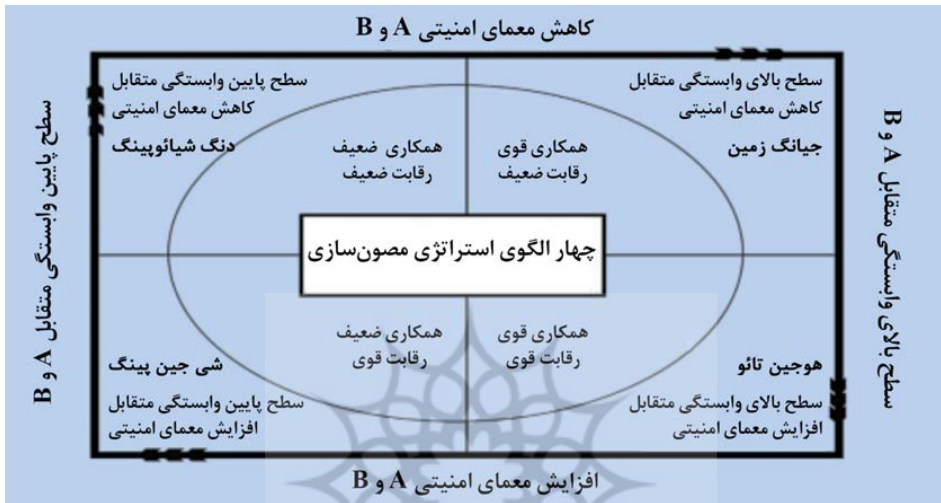
آنچه راهبرد مصون‌سازی را برای پکن تحت شرایط ساختاری مورد توجه قرار می‌دهد، این است: مادامی که خطری منافع و امنیت پکن، به عنوان بازیگری که بر اساس منطق عقلانیت در دنیای آنارشیک به دنبال حفظ بقا و امنیت است را به شکل غیرفوری تهدید نماید، درک خاکستری (عدم شفافیت دوست و دشمن) از شرایط برای چین افزایش می‌یابد (Kuik, 2022: 11). بر این اساس واکنش پکن به خطرات و رقابت‌ها، با توجه به منافع متقابلی که چین با کشور هدف دارد و در عین حال نسبت به آن کشور احساس تهدید می‌کند، به شکلی است که کمترین هزینه را برای آن در بر داشته باشد. از سوی دیگر در سطح داخلی نیز نگرانی رهبران پکن مبنی بر اینکه یک محیط خارجی متخاصم می‌تواند هدف اولیه توسعه اقتصادی چین را به خطر بیندازد، تضمین ثبات در پیرامون را برای حفظ مشروعیت رژیم و تداوم توسعه اقتصادی، ضروری می‌داند (Kuik, 2021: 310). لذا این دو عامل پکن را به سمت استراتژی خویش‌دارانه مصون‌سازی سوق می‌دهد.



شکل ۱: منطق راهبرد مصون‌سازی در سیاست خارجی چین (منبع: نگارندگان)

از آنجایی که پکن پس از جنگ سرد با خطرات متعدد و غیرمستقیمی در منطقه روبرو شد که شرایط را به طور فزاینده‌ای مبهم می‌نمود؛ از یک سو سیاست‌های آمریکا در منطقه، منجر به افزایش معمای امنیتی شد و از سوی دیگر کشورهای آسیایی نسبت به نیت پکن مشکوک شده بودند. همچنین نخبگان حاکم متوجه شدند که منافع متقابلی با آمریکا و کشورهای جنوب شرق آسیا دارند. بنابراین اگر پاسخی تند و موازنه را مدنظر قرار دهند، باعث قطبی شدن منطقه، افزایش تقابل و ایجاد ائتلافی علیه چین گشته و منطقه را در چرخه بی‌ثباتی و تنش‌ها گرفتار می‌کند. از سوی دیگر اگر فرصت‌های ناشی از همکاری با آنها را نادیده بگیرند، موجب آسیب‌پذیری و

اختلال در روند توسعه اقتصادی کشور خواهد شد و پایه‌های مشروعیت پکن را تضعیف خواهد نمود. بنابراین نخبگان تصمیم گرفتند تا موضعی محتاطانه و محاسبه‌گرایانه را برای همزیستی مسالمت‌آمیز در برابر آمریکا و کشورهای منطقه (با توجه به احساسات ضدچینی) در طیف‌های متنوع مصون‌سازی در دستور کار قرار دهند.



شکل ۲: چهار الگوی استراتژی مصون‌سازی چین در برابر آمریکا، منبع (نگارندگان)

د) سیاست خارجی آسیایی چین در طیف متنوع مصون‌سازی

۱) چارچوب ادراکی دنگ شیائوپینگ: توسعه و صلح در سیاست خارجی

برداشته‌های متفاوت رهبران چین و تأثیر آنها بر سیاست‌های امنیتی پکن از بدو تأسیس، قابل توجه بوده است. پکن از زمان شکل‌گیری در سال ۱۹۴۹، پنج رهبر داشته که درک آنها از فرصت‌ها و خطرات داخلی و ساختاری، تأثیر عمیقی بر سیاست‌های امنیتی چین داشته است. در جریان انقلاب کمونیستی چین در ۱۹۴۹، مائو (نسل اول رهبران) نقش ادراکی قوی را به عنوان یکی از مهم‌ترین نخبگان قدرت در سیاست خارجی کشور داشت. وی با تقدم نگرش ایدئولوژیکی مارکسیسم-لنینیسم، مبارزه دائم ایدئولوژی با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، نفی تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، حمایت از جنبش‌های کمونیستی، مبارزه علیه امپریالیسم، ضدیت با نظام سرمایه‌داری و صدور انقلاب، برداشت منزه‌آمیزی را با نظام جهانی و محیط پیرامونی ایجاد نمود. بر این اساس نگاه ایدئولوژیک و تجدیدنظرطلبانه وی باعث شد تا

سایر کشورها، پکن را به منزله قدرتی مداخله‌گر و تهدیدی جدی تصور و سیاست‌های پکن را در قالب سیاست خارجی تهاجمی توصیف نمایند (Tang, 2010: 153).

به قدرت‌رسیدن دنگ شیائوپینگ (نسل دوم رهبران) منجر به دگردیسی حزب و تغییر هویت از دولت انقلابی و تجدیدنظرطلبانه به سیاست خارجی اصلاح‌گرایانه شد که متأثر از درکی متفاوت از محیط داخلی، پیرامونی و صحنه بین‌الملل بود. وی با انعطاف‌پذیری در سیاست خارجی کشور، راهبرد محتاطانه‌ای را در قالب الگوی چهارگانه مصون‌سازی (همکاری ضعیف و رقابت ضعیف) در آسیا اجرا نمود. به عبارتی پکن از دوران دنگ به طور مداوم مصون‌سازی نموده و از قراردادن تمام تخم‌مرغ‌های خود در سبد آمریکا یا هر قدرتی اجتناب کرده و در مقابل، از طریق تنوع‌بخشیدن شرکا، فضایی برای همکاری با سایر کشورهای منطقه ایجاد کرد.

دنگ با تقدم نگرش اقتصادی در راستای توسعه اقتصادی کشور، سیاست درهای باز را چراغ راهنمای حزب کمونیست قرار داد. وی با نگاهی محاسبه‌گرایانه، برقراری ارتباط سازنده با جهان و عادی‌سازی روابط با پیرامون را به منظور خروج از انزوای بین‌المللی در قالب راهبرد محتاطانه که تحت عنوان «استراتژی ابهام دنگ»^۱ معروف است، ضروری دانست. بر این اساس اتحاد علیه دشمن را ترک و نبود اتحاد را به عنوان پایه‌ای برای روابط چین با دیگر قدرت‌های بزرگ قرار داد. این ابتکار به چین اجازه می‌داد تا از شدت تنش‌ها بکاهد و محیط مساعدتری را برای پیشبرد توسعه اقتصادی چین ایجاد نماید (تقی‌زاده‌انصاری و بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۷۰). بنابراین در قالب سیاست صلح و توسعه و عدم تعهد در صحنه بین‌الملل در راستای تأمین منافع ملی کشور، توسعه روابط با آمریکا در دستور کار قرار گرفت.

در پیرامون نیز تعامل مثبت با کشورهای منطقه به عنوان حوزه استراتژیک در سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت. وی با نگاهی عمل‌گرایانه معتقد بود آنچه باعث بقا و مشروعیت حزب کمونیست می‌شود، توسعه و رشد اقتصادی کشور است؛ در این معنا سیاست همسایگی خوب را در سیاست خارجی برای توسعه داخلی کشور و احیای جایگاه پکن در منطقه توسعه بخشید. شاهد این امر حمایت‌نکردن از شورشیان و فاصله‌گیری از سخنان و اقدامات انقلابی بود که در گذشته بسیاری از کشورها را نسبت به اهداف پکن مشکوک و موجب معمای امنیتی شده بود. دنگ با درک چنین شرایطی، اعتدال و خویشتن‌داری را در چارچوب اطمینان

^۱ Keep Low Profile (KLP)

بخشی، همکاری و عادی‌سازی مناسبات با پیرامون در سیاست همسایگی خوب و حل‌وفصل اختلافات مرزی را در دستور کار قرار داد^۱. این امر با فواید دوگانه، از یک سو پایه‌ای برای روابط دوستانه، حل معمای امنیتی و ایجاد محیط امنیتی مطلوب در منطقه شد و از سوی دیگر زمینه‌ای برای توسعه اقتصادی و جذب تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرد (Jalil, 2019: 49).

۲) چارچوب ادراکی جیانگ‌زمین: سیاست خارجی چندجانبه‌گرا

جیانگ‌زمین به عنوان نخستین رئیس‌جمهور چین پس از جنگ سرد، معتقد بود که سیاست خارجی باید درک صحیح فرصت‌ها، تعامل صلح‌آمیز با کشورها و اعتمادسازی باشد. از این رو به ابتکار شخصی، سیاست خارجی چندجانبه‌گرا را با توجه به روند روبه‌افزایش وابستگی متقابل با آمریکا و از سوی دیگر ایجاد رگه‌هایی از رقابت در روابط طرفین در قالب مصون‌سازی دنبال نمود. وی با تغییر تاکتیکی از همکاری ضعیف و رقابت ضعیف دوران دنگ، مصون‌سازی را در قالب همکاری قوی و رقابت ضعیف برای به حداقل‌رساندن خطرات و به حداکثررساندن فرصت‌ها در منطقه تداوم بخشید.

او در گام نخست با درک شرایط داخلی کشور، ثبات سیاسی و بقای رژیم را در گرو توسعه اقتصادی دانست. از این رو دیپلماسی را به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی کشور و گسترش روابط با جهان قرار داد و با سیاست نظام اقتصادی بازار آزاد، توانست رشد تولید ناخالص داخلی چین را به حدود ۸ درصد در سال برساند و زمینه پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی را فراهم نماید. در صحنه بین‌الملل نیز درکی صلح‌آمیز نسبت به روابط بین‌الملل داشت. به‌رغم اقدامات آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری کلینتون که در اوایل دهه ۱۹۹۰ به منظور مهار رشد پکن و افزایش بازدارندگی آمریکا، ایده جامعه جدید اقیانوس آرام^۲ را مطرح نمود، پکن پاسخی محتاطانه را مد نظر قرار داد (Muni & Chadha, 2014: 5). ستون این راهبرد، موازنه در برابر پکن، توسعه روابط با ژاپن، استرالیا، هند، فیلیپین، اندونزی و مالزی به عنوان شرکای منطقه‌ای برای حفظ صلح در منطقه بود. از دیگر ستون‌های استراتژی کلینتون در منطقه، حمایت از تایوان و انتقادهای در خصوص اشغال تبت و قتل‌عام تیان‌آن‌من در راستای حمایت از موج اصلاحات دموکراتیک و

^۱ در گام اول دنگ به سنگاپور، تایلند و مالزی سفر کرد و بر حمایت از کشورهای آسه‌آن با هدف حفظ استقلال و حاکمیت ارضی تأکید کرد. همچنین با توجه به درگیری مرزی با ویتنام در سال ۱۹۷۹ مذاکرات مسائل مرزی را آغاز که منجر به از سرگیری روابط دو کشور شد (قربانی، ۱۴۰۱: ۲۸۰).

^۲ New Pacific Community

حقوق بشر بود که در این دوره رگه‌های رقابت دو کشور را در موضوعات منطقه‌ای بیشتر نمود (Frost, 1997: 1).

به‌رغم اقدامات واشنگتن، گفتگوی استراتژیک جیانگ‌زمین و کلینتون (۲۹ اکتبر ۱۹۹۷)، زمینه شکل‌گیری «همکاری راهبردی سازنده» را به منظور ایجاد آسیای باثبات، مرفه و صلح‌آمیز و همکاری راهبردی در خصوص مسائل سیاسی، نظامی، امنیتی و کنترل تسلیحات، تجارت و مهاجرت بین طرفین تسهیل نمود. استراتژی کلینتون در منطقه به شدت بر مشارکت آمریکا در مجامع مختلف منطقه‌ای، حمایت از چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و درگیر شدن چین در نهادهای آسیایی و جهانی بود. در این راستا، الحاق چین به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، پیوستن به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و حمایت پکن به عضویت در سازمان تجارت جهانی را در دستور کار قرار داد (Frost, 1997: 1). همچنین در اواسط دهه ۱۹۹۰ مبادلات نظامی میان دو کشور در سطوح مختلف رو به گسترش نهاد. در نوامبر ۱۹۹۶ در دیدار جیانگ‌زمین و کلینتون در مانیل، همکاری ارتش‌های دو کشور در مسائل نظامی، دفاعی و امنیتی دو جانبه توسعه یافت. بخش اقتصادی نیز در این دوره شاهد افزایش روابط اقتصادی بود؛ به‌گونه‌ای که روند همکاری‌های اقتصادی دو کشور در سال ۱۹۹۴ به ۳۵/۴۳ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۲ این میزان مبادلات بیش از ۹۷ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۱۵۴ میلیارد دلار رسید (آقائی و اکبریان، ۱۳۹۶: ۳۰۱).

در مقابل جیانگ‌زمین با درک محیط پیرامونی، به منظور موازنه نرم در برابر آمریکا و از سوی دیگر اطمینان‌بخشی به پیرامون در قالب مصون‌سازی، در گام اول با ابتکار مفهوم امنیت جدید^۱ در سال ۱۹۹۷، بر عدم دخالت در امور داخلی بر اساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات و توسعه مشارکت‌های استراتژیک و اعتمادسازی را جایگزینی برای اتحادهای دوجانبه آمریکا با کشورهای آسیایی مطرح نمود (Liff, 2018: 154).

در گام دوم، در راستای دیپلماسی پیرامونی بر اساس سیاست تفاهم و اطمینان‌بخشی، طرح دیپلماسی «همسایه به عنوان شریک» را مطرح نمود تا مناطق همجوار و پیرامون خود را به عنوان هویت ژئوپلیتیکی و مشترک در سیاست خارجی خود ادغام نماید (Feng, 2016: 161). هدف از این طرح، کاهش تنش در محیط امنیتی خارجی به منظور تمرکز بیشتر بر چالش‌های داخلی، اعتدال، خویشتن‌داری و اطمینان‌بخشیدن به همسایگان در خصوص افزایش قدرت چین

^۱ New security concept

در چارچوب توسعه صلح‌آمیز به جای ایجاد معمای امنیتی و موازنه محتاطانه با آمریکا بود (Gill, 2007: 21). بر این اساس گسترش روابط دوجانبه با کشورهای منطقه در دستور کار قرار گرفت تا حاشیه صلح‌آمیزتری را ایجاد نماید. نقطه عطف این نگاه در عرصه عمل، توسعه دیپلماسی چندجانبه‌گرایی جهت پیشبرد ایده چندقطبی در برابر تأکید واشنگتن بر سیستم تک قطبی، جهت تعامل، همکاری و حل اختلافات در منطقه دنبال نمود. لذا همکاری در سازمان‌های چندجانبه منطقه‌ای، موافقتنامه تجارت آزاد آسه‌آن چین، آسه‌آن+۳، ابتکار منطقه‌ای کونمینگ و همکاری سران لنکانگ-مکونگ^۱ در قالب برنامه مکونگ بزرگ^۲ را به منظور تقویت چندجانبه‌گرایی و حمایت از الگوی جامعه آسیایی در قالب مفهوم امنیت جدید و صلح و ثبات در منطقه قوت بخشید. همچنین پکن معاهده رفاقت و همکاری را که نشان از تعهد کشورش به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دارد، امضا کرد (Yuzhu, 2021: 14-17).

۳) هوجین تائو: سیاست خارجی توسعه مسالمت‌آمیز

هوجین تائو، نسل چهارم از رهبران چین، در تداوم سیاست‌های نخبگان پیشین، با درک محیط داخلی، پیرامون و ساختار نظام بین‌الملل، رویکرد چندوجهی را در سیاست خارجی در قالب استراتژی مصون‌سازی (همکاری قوی و رقابت قوی) دنبال نمود. در واقع آنچه رهبران پکن را در این دوره به این طیف متنوع از مصون‌سازی سوق داد، ناشی از راهبردهای آمریکا در آسیا بود. دوره رهبری هوجین تائو مصادف با ریاست‌جمهوری جورج بوش پسر و باراک اوباما بود. در دوران بوش پسر تعامل آمریکا با چین بیشتر بر اساس محاسبات واقع‌گرایانه بود تا لیبرالی. به عبارتی در نسخه‌هایی از سند استراتژی امنیت ملی آمریکا (سال ۲۰۰۶) با وجود اشاره به چین به عنوان یک رقیب استراتژیک که بیشترین پتانسیل را برای رقابت نظامی با آمریکا دارد، اما با توجه به تمرکز آمریکا بر خاورمیانه و مبارزه با تروریسم در جریان جنگ افغانستان و عراق، چین به شریکی راهبردی برای مقابله با تروریسم تبدیل شد و همین موضوع دریچه‌ای از فرصت را برای چین گشود تا با تمرکز بر توسعه اقتصادی، قدرت ملی خود را به طور قابل توجهی افزایش دهد (Wei, 2016: 92)؛ به طوری که مفهوم «سهامدار مسئول» در مورد پکن مطرح شد. این مفهوم، تأکید بر ضرورت تشویق چین برای ایفای نقش‌های سازنده در آسیا و مسئولیت مشترک

^۱ Lancang-Mekong (LMC)

^۲ همکاری سران لنکانگ-مکونگ (کامبوج، لائوس، میانمار، ویتنام، تایلند و چین) ایجاد چارچوبی برای همکاری در منطقه اقتصادی مکونگ از طریق ترویج توسعه پایدار، کاهش نابرابری میان کشورهای منطقه و حمایت از روند توسعه آسه‌آن است.

در تقویت سیستم بین‌المللی (تروریسم، امنیت انرژی، کنترل تسلیحات هسته‌ای، امنیت خطوط دریایی) را مورد توجه قرار می‌داد (NIDS, 2018: 26).

به‌رغم روابط توأم با همکاری و رقابت، در نیمه دوم ریاست جمهوری هوجین تائو که همزمان با به قدرت رسیدن اواما در آمریکا بود، روابط دو کشور شکل متفاوت تری یافت. اواما با تأکید بر این مهم که چین شریک بالقوه در حل مسائل مهم جهانی است، رویکرد واکنشی و تدافعی تری را به رشد چین و مهار آن در معادلات آسیا نشان داد (Muni & Chadha, 2014: 3). از یک سو به تعمیق همکاری‌های اقتصادی و تجاری با چین پرداخت که نقطه عطف آن در آوریل ۲۰۰۹، «گفتگوی استراتژیک و اقتصادی چین و آمریکا» بود که برخی از محققان مفهوم "G2" را در خصوص افزایش همکاری‌های دو کشور و وابستگی متقابل مطرح نمودند (Fangfei, 2019: 14). از سوی دیگر این پویایی‌های مثبت دوجانبه در سال ۲۰۱۰ به روابط رقابتی‌تر و پرتنش‌تری تبدیل شد که نشان‌دهنده واگرایی‌های استراتژیک و بی‌اعتمادی بین واشنگتن و پکن بود که مبتنی بر سیاست آمریکا در شرق آسیا و محاصره استراتژیک چین در قالب استراتژی «باز توازن در آسیا» است. بر این اساس، جنبه‌های رقابت‌آمیز این استراتژی؛ تقویت اتحادها و مشارکت‌های استراتژیک در منطقه (هند، اندونزی، ویتنام، مالزی، سنگاپور، بنگلادش، برونئی و کامبوج) و تقویت قابلیت‌های نظامی و تحکیم بازاریابی آمریکا در دستور کار قرار گرفت. در بخش اقتصادی نیز توافق تجارت آزاد فراپاسفیک را به عنوان ستون اقتصادی مهم در آسیا برای ترویج تجارت آزاد و افزایش نفوذ آمریکا در منطقه ایجاد نمود (Castro, 2019: 14). همچنین موافقت دولت اواما با بسته فروش ۶,۴ میلیارد دلاری تسلیحات به تایوان منجر به اعتراض شدید جمهوری خلق چین شد. اواما همچنین اولویت بیشتری برای روابط آمریکا با آسیای جنوب شرقی قائل شد؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۹، واشنگتن پیمان همکاری و مودت را با کشورهای آسه‌آن امضا و اولین نشست خود را با آسه‌آن برگزار کرد. اختلافات راهبردی چین و آمریکا علاوه بر نمایش قدرت نظامی و رفتار توازن قوا، همراه با لفاظی‌های سیاسی بود از جمله اعزام ناو هواپیمابر هسته‌ای USS و جرج واشنگتن، اظهارات هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه در اجلاس سال ۲۰۱۰ مبنی بر اینکه آمریکا در آزادی کشتیرانی در دریای چین جنوبی دارای منافع ملی است و ادعاهای ارضی باید به صورت مسالمت‌آمیز پیگیری شود (Elena, 2011: 233).

در پاسخ به اقدامات آمریکا در منطقه، هوجین تائو ذیل دو ابتکار، استراتژی مصون‌سازی را عملیاتی نمود. در گام نخست در قالب دیپلماسی پیرامونی با تعریف جدیدی از همسایگی، در راهبرد پیرامون بزرگ‌تر به منظور اطمینان‌بخشی در آسیا، ابتکار توسعه مسالمت‌آمیز را مطرح

نمود. مفهومی که به منظور خنثی‌نمودن ادراک تهدید از سوی پکن در پیرامون و تلاش برای ایجاد یک سازه منطقه‌ای امن و جامعه آسیایی برای مشارکت مشترک بدون ایجاد دشمنی بود (Wang, 2010: 555). به منظور عملی‌نمودن ابتکار، وی به طور رسمی به جنوب شرق آسیا سفر کرد و در این راستا به طور مشترک «اعلامیه رفتار طرفین» را با کشورهای آسه‌آن امضا نمود که بر ضرورت حل‌وفصل مناقشه‌های سرزمینی و دریایی مطابق با اصول حقوق بین‌الملل و خویشتن داری تأکید داشت. همچنین گسترش سرمایه‌گذاری خارجی چین منجر به توسعه روابط تجاری پکن و آسه‌آن شد به طوری که حجم تجارت خارجی آنها در سال ۲۰۱۲ دو برابر تجارت آسه‌آن با آمریکا شد.

جدول ۱: مجموع تجارت خارجی کشورهای آسه‌آن با آمریکا و چین (۲۰۱۲-۲۰۰۴)

سال	جنوب شرق آسیا-آمریکا(دلار)	جنوب شرق آسیا-چین(دلار)
۲۰۰۴	۱۳۹.۹۵۴.۵۱۱	۱۰۵.۸۶۸.۴۹۵
۲۰۰۵	۱۵۲.۸۵۶.۲۸۱	۱۳۰.۳۷۱.۶۲۲
۲۰۰۶	۱۷۳.۲۶۰.۳۳۸	۱۶۰.۸۴۵.۴۷۹
۲۰۰۷	۱۷۶.۲۳۳.۸۱۳	۲۰۳.۲۲۵.۹۱۹
۲۰۰۸	۱۸۲.۸۵۹.۴۰۷	۲۳۱.۳۲۹.۲۲۰
۲۰۰۹	۱۴۹.۲۹۶.۲۰۰	۲۱۳.۰۳۴.۲۲۰
۲۰۱۰	۱۸۲.۳۹۹.۳۳۸	۲۹۲.۸۸۰.۷۸۶
۲۰۱۱	۱۹۸.۷۵۶.۷۳۵	۳۶۳.۱۶۸.۴۱۲
۲۰۱۲	۱۹۸.۲۸۱.۰۳۵	۴۰۰.۲۰۵.۶۷۶

Source: (World Bank, 2013)

در گام دوم در صدد ارتقای بازدارندگی به منظور مصون نگه‌داشتن کشور از تهدیدات دشمن برآمد و در این راستا استراتژی نظامی پکن را تحت عنوان «نوآوری واکنشی» در پاسخ به اقدامات رقبا اتخاذ نمود (Fravel, 2019: 53). بر این اساس تقویت نیروی دریایی را با عنوان راهبرد دفاع فعال نزدیک دریا^۱ که سنگ‌بنای آن استراتژی ضد‌دسترسی و منع منطقه‌ای^۲ است، به منظور جلوگیری یا افزایش هزینه‌های مداخلات خارجی در همسایگی چین دنبال نمود. همچنین

^۱ Near-seas active Defense

^۲ Anti-Access/ Anti Denial(A2/AD)

افزایش ۹ درصدی هزینه‌های نظامی در هر سال را به گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد افزایش بودجه‌های دفاعی شرق آسیا بود را در سیاست‌های خود اتخاذ کرد (Lim, 2020: 5).^۱

۴. شی جین‌پینگ: ابتکار کمربند - جاده

در مارس ۲۰۱۳ شی جین‌پینگ به عنوان پنجمین نسل از رؤسای جمهور چین، دیپلماسی نوینی را در سیاست خارجی با رویکرد قاطعانه‌تر در قالب مصون‌سازی با ماهیت «همکاری ضعیف و رقابت قوی» ایجاد کرد. سیاست خارجی شی با شعار تلاش برای دستاوردها^۲ در مقایسه با سیاست خارجی محتاطانه روسای جمهور پیشین (اولویت اقتصادی)، ماهیتی اقتصادی - امنیتی دارد. وی معتقد است استراتژی رهبران پیشین پکن، مناسب زمانی بود که اقتصاد چین توسعه‌نیافته بود و در صورت اصرار چین به پراگماتیسم اقتصادی در سیاست خارجی، در آینده تصویر بین‌المللی چین تضعیف و با تهدیدات امنیتی بیشتری مواجه می‌شود. در حالی که امروزه پکن پس از سه دهه سیاست توسعه اقتصادی صلح‌آمیز، توانسته به دومین قدرت اقتصادی جهان پس از آمریکا تبدیل شود، از همین‌رو نیازمند افق‌های جدید در سیاست خارجی و راهبردهای نوینی است (Yaqing, 2014: 299).

آنچه نگاه شی را در سیاست خارجی قاطعانه‌تر در قالب مصون‌سازی تقویت کرد، ناشی از اقدامات آمریکا در آسیا بود. در واقع شی با تغییر تاکتیکی از «همکاری قوی و رقابت شدید» سلف خود به «همکاری ضعیف و رقابت شدید» روی آورد. این پاسخی به راهبرد «چرخش به سمت آسیا» و در ادامه نیز به استراتژی «ایندو - پاسفیک» بود.

ترامپ با شعار «اول آمریکا»، آغاز چرخشی بزرگ در استراتژی بزرگ آمریکا از چندجانبه‌گرایی به یک‌جانبه‌گرایی و تحکیم قدرت محوری را آغاز کرد. وی از منتقدان سرسخت چین، در سخنرانی خود در نوامبر ۲۰۱۷ در اجلاس آپک در ویتنام با طرح مفهوم ایندوپاسفیک آزاد و باز به عنوان استراتژی ایالات متحده در آسیا در دو بعد اقتصادی و امنیتی به وضوح مهار نرم را در برابر رشد پرشتاب اقتصادی - نظامی چین در منطقه مطرح کرد (Jung et al., 2020: 12).

^۱ چین با اختصاص ۲۹۲ میلیارد بودجه نظامی در سال ۲۰۲۲، دومین بودجه بزرگ جهان را به خود اختصاص داده است (SIPRI, 2023)

^۲ Striving for Achievement (SFA)

اهمیت این موضوع به آنجا رسید که در دسامبر ۲۰۱۷ استراتژی امنیت ملی و در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸ استراتژی دفاع ملی آمریکا، مهمترین اولویت‌های کشور را پس از پایان جنگ سرد از توجه به تروریسم جهانی به تمرکز بر رقابت قدرت‌های بزرگ قرار داد. در سند استراتژی دفاع ملی چین، چین و روسیه به عنوان مهم‌ترین رقبای استراتژیک یاد می‌شود. همچنین در این سند، از چین به عنوان قدرت تجدیدنظرطلب که به دنبال تغییر توازن قوا در منطقه بوده تا نفوذ واشنگتن را در منطقه کاهش دهد، اشاره می‌شود (Rasooli saniabadi, 2019 193-198).

تأکید واشنگتن از مفهوم ایندوپاسفیک با توجه به اسناد فوق، نشان می‌دهد که آمریکا قصد دارد مانند گذشته در امنیت منطقه فعالانه مشارکت داشته باشد که گویای تداوم و پیوستگی با سیاست‌های پیشین آمریکا در چارچوب مهار پکن است. این در حالی است که سیاست دولت ترامپ در یک مورد، حاکی از انفصال با سلف خود است زیرا چین را تهدیدی جدی علیه منافع آمریکا و به عنوان رقیب استراتژیک توصیف می‌کند (Castro, 2019: 43). در واقع ترامپ هر گونه رابطه با این قدرت نوظهور را در چارچوب سیاست‌های «تعامل و احتیاط» کلینتون، «مفهوم ذینفع مسئول» دولت بوش (NIDS, 2018: 33) و نظم مبتنی بر قانون (تعامل و رقابت) دولت اوباما تغییر داده و سیاست نظم مبتنی بر قدرت (صلح با قدرت) را در برابر پکن دنبال می‌کند زیرا معتقد است در ادوار گذشته دولت‌های آمریکا به دنبال کنار آمدن مشروط با چین در حال رشد بوده‌اند (Feng et al., 2017: 26).

بر این اساس ترامپ در سه بعد در قالب استراتژی ایندوپاسفیک مترصد مهار پکن بود. در بخش اقتصادی با افزایش تعرفه بر کالاهای چینی «جنگ تعرفه‌ای- تجاری» را علیه چین دنبال کرد. همچنین به دنبال مهار رشد چین، با ایجاد اختلال در پیشرفت فناوری این کشور «جنگ فناوری» را ایجاد نمود (Goswami, 2022: 5). بر این اساس برای محدود کردن دسترسی شرکت‌های چینی به فناوری‌های حساس آمریکایی، در سال ۲۰۱۸، قانون دفاع ملی آمریکا، آژانس‌های دولتی را از خرید محصولات از پنج شرکت چینی شامل هوآوی و ZTE منع کرد (Xinbo, 2020: 24).

در بخش امنیتی نیز با تقویت اتحادها در منطقه و افزایش تجهیزات نظامی به دنبال ایجاد حلقه‌هایی فشرده در اطراف پکن بود. در این راستا آمریکا ناوشکن یواس اس دیویی^۱ را در سال ۲۰۱۷ در نزدیک دریای چین جنوبی به حرکت درآورد و در ژوئیه ۲۰۱۸ نیز یک ناوشکن کلاس

^۱ USS Dewey

آرلی بورک در نیروی دریایی واشنگتن^۱ به عنوان بخشی از ناوگان اقیانوس آرام در پاسخ به ادعاهای دریایی چین در اطراف جزایر پاراسل به مانور پرداخت و به دنبال آن دو بمب افکن B-Lancer نیز به منظور آزادی نوبری و پرواز در دریای چین جنوبی از گوام پرواز کردند (Castro, 2019: 29). سومین مؤلفه، تمرکز بر متحدان و مشارکت با شرکا است که در قالب تقویت و تعمیق مشارکت (استرالیا، ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، مالزی، تایلند، هند) به عنوان وزنه‌ای موازنه‌ساز در برابر چین ایجاد شد.

پکن نیز در پاسخ به اقدامات آمریکا و اطمینان بخشی به پیرامون در قالب استراتژی مصون‌سازی، دو ابتکار کلان را ذیل ابتکار امنیت جهانی^۲ در سال ۲۰۲۲ و ابتکار کمربند-جاده^۳ در سال ۲۰۱۳ مطرح کرد. ابتکار امنیت جهانی یکی از سه ابتکار اصلی شامل «ابتکار توسعه جهانی» در سپتامبر ۲۰۲۱ و «ابتکار تمدن جهانی» در مارس ۲۰۲۳ بود. ابتکارات سه‌گانه به طور برجسته در پیشنهاد چین برای اصلاح حکمرانی جهانی، افزایش امنیت در جهان آشفته در مفهوم «آینده مشترک جوامع»^۴ گنجانده شده است.^۵ بعد دیگر ابتکار سه‌گانه، به جای رویارویی مستقیم با آمریکا و شبکه اتحادها، احاطه کردن آمریکا از پیرامون از طریق گسترش نفوذ و حمایت در مناطقی است که آمریکا حضور مؤثر دارد تا بتواند آزادی عمل واشنگتن را محدود نماید (Fravel, 2024).

از دیگر ابتکارات چین با رویکردی فراگیر در جنوب شرق آسیا، ابتکار کمربند-جاده بود که به عنوان فصلی جدید برای همکاری اقتصادی-امنیتی با پیرامون و موازنه نرم در برابر آمریکا مطرح شد. رویکرد اقتصادی ابتکار کمربند-جاده در قالب مصون‌سازی (در بعد داخلی) به دنبال دولت قوی، توسعه مناطق داخلی چین، انتقال مازاد سرمایه و توسعه زیرساخت‌ها بود. در این راستا احداث کریدورها به منظور توسعه مناطق داخلی کشور و اتصال به مناطق پیرامونی مورد توجه قرار گرفت (Bhattacharya, 2016: 317).

^۱ به نام USS Stethem

^۲ Global Security Initiative (GSI)

^۳ One Belt-One Road

^۴ community of shared future

^۵ ابتکار امنیت جهانی به عنوان شش تعهد عبارتند از: (۱) امنیت مشترک، جامع، همکاری پایدار، (۲) احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی، (۳) پیروی از اهداف و اصول منشور سازمان ملل، (۴) جدی گرفتن نگرانی‌های امنیتی مشروع همه کشورها، (۵) حل مسالمت‌آمیز اختلافات کشورها و (۶) حفظ امنیت در حوزه سنتی و غیرسنتی.

در گام بعد، انتقال مازاد سرمایه به پیرامون برای تقویت ادغام اقتصادی در مناطق کمربندی، در قالب مجموعه‌ای از پروژه‌های زیرساختی (ایجاد بندر، فرودگاه‌ها، شبکه‌های انتقال برق، کریدورهای اقتصادی و شبکه راه‌آهن، جاده‌ها، خطوط لوله، پروژه‌های توسعه انرژی) به عنوان فرصت مهمی برای رشد کشورهای در مسیر طرح کمربند و مثبت‌نمودن شاخص اقتصادی پکن دنبال شد (Xing, 2019: 37).



جدول ۲: پروژه‌های زیرساخت در ارتباط با ابتکار کمربند-جاده در جنوب شرق آسیا

منطقه	کشورها	مثال‌هایی از پروژه
جنوب شرق آسیا	میانمار	احداث راه‌آهن در بندر کیاکیپو برای اتصال به استان یون نان، احداث خط لوله دوقلوی نفت و گاز از بندر کیاکیپو به استان کومینگ چین. ایجاد بزرگراهی بین استان یانگون و سیتهو (Tuysuzoglu, ozen, 2020: 2859)
	تایلند	احداث خط ریلی از یون نان به وینتنان در لائوس و اتصال به استان نونگ خی در شمال شرقی تایلند و ادامه به استان ناکون راتچاسیما و خلیج تایلند (Cari, 2018: 41)، احداث کانال کرا، قطار سریع‌السیر بانکوک - چیانگ‌مای، احداث بزرگراه Bangpa-Nakhon Rachasrima. (Das, 2017: 130).
جنوب شرق آسیا	لائوس	پروژه راه‌آهن Vientian-Boten، احداث نیروگاه Nam ou Hydro، احداث جاده Phongxaly-Yunnan (Cari, 2018: 15)
	کامبوج	اتصال بندر هنگ‌کنگ و نینگبو با بندر سیهانوکویل و شهر کومینگ در استان یون نان، ساخت راه‌آهن اتصال شهر پنوم‌پن به شهر هوشه‌مین، ساخت خط ریلی برای اتصال کامبوج به لائوس (Khalid, 2017: 3).
	اندونزی	توسعه بندر تانجونگ پریوک در جزیره باتان، فرودگاه بین‌المللی Kulon Progo، سرمایه‌گذاری در شهرک صنعتی موروولی اندونزی (7) (Mursitama, Ying, 2020)
	سنگاپور	ساخت راه‌آهن کومینگ-سنگاپور، اتصال چونگ کینگ برای اتصال چین به سنگاپور، سرمایه‌گذاری مشترک در بنادر بین‌المللی خلیج گوانگشی بیبو و راه‌اندازی ترمینال کانتینر در کینزو چین برای گسترش حمل‌ونقل چین-سنگاپور (64) (Arduino, Gong, 2018)
	مالزی	سرمایه‌گذاری در زیرساخت بنادر (پنانگ، کوانتان، دروازه مالاکا و کولالینگی) سرمایه‌گذاری در سد Bakun، پارک‌های دوقلوی صنعتی کوانتان در ایالت پاهانگ (5) (Zhao, 2019)
	برونئی	اتصال بندر هنگ‌کنگ و نینگبو با بندر مورا، کریدور اقتصادی گوانگشی-برونئی، احداث پروژه انرژی Zhejiang Hengy و پالایشگاه Muara Terminal (15) (Cari, 2018)
	فیلیپین	پروژه بین‌المللی ترمینال Bulk, Cebu، پروژه راه‌آهن Subic-Clark، پروژه توسعه ساحلی بندر Davao، راه‌آهن Bulacan-Lanuna (اتصال شمال-جنوب کشور) (129) (Das, 2017)
	ویتنام	طرح جامع سیستم مترو شهر هوشی‌مین، توسعه فرودگاه Long Thanh، احداث بزرگراه ۱۲۰۵ مایلی شمال-جنوب برای اتصال سنگاپور، کوالامپور، بانکوک، پنوم‌پن، هوشی‌مین، ویتنام، هانوی و نانینگ (130) (Das, 2017)

بخش امنیتی ابتکار کمربند-جاده بسیاری از عناصر مفهوم امنیت ملی چین را تحت مفهوم «امنیت ملی جامع» در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا می‌بخشد. در گام اول، ابتکار کمربند-جاده در قالب جاده ابریشم دیجیتال (کمربند سایبری) با توجه به معماری فضای مجازی آمریکا و هژمونی شبکه‌ای آن، پکن را مصمم نموده است تا جاده ابریشم دیجیتال را به عنوان جایگزینی برای عادی‌سازی مدل حاکمیت سایبری با محوریت چین تغییر دهد. در این میان شرکت ارتباطی هوآوی و ZTE با تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، ساخت کابل‌های فیبر نوری، شبکه‌های مخابراتی دیجیتال، پروژه شهر هوشمند در کشورهای

مانند کامبوج و فیلیپین، تایلند، ویتنام، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و اندونزی اهتمام ورزیده‌اند (Gordon & Anderson, 2020: 19-22).

از جنبه دیگر، نفوذ اقتصادی به عنوان «مرکز ثقل» یا مهمترین عنصر رقابت در جنوب شرقی آسیا مورد توجه قرار گرفت. در سال ۲۰۲۰، آسه‌آن به عنوان بزرگترین شریک تجاری چین جایگزین اتحادیه اروپا شد. این وابستگی متقابل احتمالاً پس از امضای مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای^۱ در نوامبر ۲۰۲۰، رشد خواهد کرد (Kuik, 2021: 310). آسه‌آن طی شش ماهه اول ۲۰۲۳، بزرگترین شریک تجاری چین بوده است که حجم مبادلات تجاری چین با کشورهای این حوزه بالغ بر ۴۴۷٫۳ میلیارد دلار شده است. از نظر روابط اقتصادی، تجارت جنوب شرق آسیا و چین سریعتر از تجارت جنوب شرقی آسیا و آمریکا رشد کرده است.

جدول ۳: مجموع تجارت خارجی کشورهای آسه‌آن با آمریکا و چین (۲۰۱۹-۱۹۹۲)

سال	جنوب شرق آسیا-آمریکا (دلار)	جنوب شرق آسیا-چین (دلار)
۲۰۱۳	۲۰۵٫۸۷۶٫۱۴۴	۴۴۳٫۶۴۶٫۳۷۲
۲۰۱۴	۲۳۰٫۲۸۰٫۵۰۳	۴۸۰٫۳۴۶٫۵۸۰
۲۰۱۵	۲۳۲٫۰۳۲٫۴۷۴	۴۷۱٫۸۷۰٫۹۴۶
۲۰۱۶	۲۳۷٫۹۰۶٫۲۶۳	۴۵۲٫۵۷۲٫۸۶۶
۲۰۱۷	۲۵۲٫۸۶۶٫۳۹۳	۵۱۵٫۵۷۷٫۳۳۴
۲۰۱۸	۲۷۶٫۵۶۵٫۰۸۲	۵۸۹٫۸۸۳٫۹۰۴
۲۰۱۹	۲۹۹٫۷۶۱٫۲۲۱	۶۴۲٫۱۲۳٫۴۰۳

Source: World Bank, 2020

از دیگر مؤلفه‌های مهم امنیتی در ابتکار کمربند-جاده، انرژی است. در این میان کریدور اقتصادی چین-بنگلادش-میانمار-هند قابل ذکر است. مؤلفه سوم در ابعاد امنیتی ابتکار کمربند-جاده، تقویت منافع دریایی در قالب ایجاد بندر و پایگاه‌های دریایی استراتژیک پکن است. پکن با درک محیط امنیتی در منطقه (سیاست مهار آمریکا) و اینکه مرزهای امنیت ملی چین با گسترش منافع خارج از کشور تعریف می‌شود، استراتژی نظامی خود را به سمت قابلیت‌های دفاعی فراساحلی و مدرن‌سازی ناوگان دریایی تغییر داد. براینده این راهبرد، در قالب «دکترین نظامی دفاع فعال» متظاهر شد (Zhen & Paul, 2020: 7). در این راستا سرمایه‌گذاری در چهار بندر مالزی (دروازه ملاکا، بندر کوالینگی، پنانگ، کوانتان)، بندر تانجونگ پریوک اندونزی (Zhao, 2019: 2)، بندر سیهانوکویل کامبوج و ساخت بندر در کیائوک پیوک و سیتوه میانمار به

^۱ Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)

منظور تقویت نیروی دریایی پکن قابل ذکر است (Lim, 2020: 4-10). در آخر از شاخص‌های مهم امنیتی ابتکار، استراتژی مشارکت استراتژیک است که نوعی مصون‌سازی هوشمندانه است که پکن از طریق ایجاد حلقه‌هایی از متحدین منطقه‌ای^۱، برای نفوذ بیشتر در ژئوپلیتیک منطقه ایجاد کرد تا خود را در برابر تأثیرات منفی ائتلاف‌های منطقه‌ای واشنگتن بیمه کند (Liff, 2018: 141).

جدول ۴: ترکیب اهداف و اولویت‌های چین در کشورهای جنوب شرق آسیا

	برونئی	فیلیپین	لائوس	سنگاپور	کامبوج	اندونزی	ویتنام	مالزی	میانمار	تایلند
جامعه مشترک بشریت										
جاده ابریشم دریایی					✓	✓				✓
کمربند اقتصادی جاده ابریشم			✓							✓
جاده ابریشم دیجیتال		✓			✓					✓
حاکمیت و تمامیت ارضی										
حفظ امنیت و ثبات مرزها			✓				✓			
دفاع از ادعاهای دریایی							✓	✓		✓
توسعه اقتصادی										
تجارت و سرمایه‌گذاری						✓	✓	✓		✓
تجارت دریایی و انرژی						✓		✓		✓
امنیت و ثبات در پیرامون										
تعمیق مشارکت کلیدی			✓		✓		✓			✓
ایجاد مشارکت‌های جدید						✓		✓		✓
گسترش دسترسی					✓					
تضعیف اتحادهای آمریکا								✓		✓
تضعیف مشارکت‌های آمریکا						✓	✓	✓		✓
اولویت‌ها	کم				متوسط			زیاد		

Source: Lin, Chase & Blank, 2020, p: 26

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه این مقاله اشاره شد روابط چین و آمریکا به عنوان دو قدرت بزرگ در دو دهه اخیر فراز و فرودهای بسیاری داشته؛ به گونه‌ای که در میانه طیفی از تعامل تا رقابت

^۱ شبکه‌ای از مشارکت‌های پکن در منطقه: سنگاپور همکاری همه جانبه، برونئی و فیلیپین همکاری راهبردی، کامبوج، تایلند، میانمار و ویتنام مشارکت و همکاری استراتژیک جامع و با اندونزی مشارکت راهبردی جامع امضا کرد (Li, Ye, 2019: 69).

در نوسان بوده است. در این میان رهبران سیاسی چین (از نسل دوم تاکنون) با درک عوامل ساختاری و داخلی، مترصد تأمین منافع و پاسخ به خطرات بوده‌اند. در واقع سیاست خارجی چین بر پایه رشد اقتصادی در راستای توسعه مسالمت‌آمیز و در حوزه امنیتی، «احتیاط راهبردی» را نسبت به خطرات در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است. این نگاه رهبران چین در سیاست خارجی باعث شد پکن با ورود به هزاره جدید بتواند گام‌های باثباتی جهت تداوم رشد اقتصادی و به موازات آن ارتقا و تثبیت قدرت خود در منطقه بردارد.

در این اثنا، نقش فزاینده چین در آسیا و پتانسیل بالای این کشور برای هژمون‌شدن، آمریکا را بر آن داشت تا استراتژی خود را برای افزایش بازدارندگی و مهار توانمندی پکن در قالب بازتوازن در آسیا و ایندو- پاسیفیک در منطقه عملیاتی کند. پکن نیز در پاسخ به اقدامات واشنگتن در منطقه، به منظور افزایش امنیت نسبی و متناسب با درک خطرات، استراتژی مصون‌سازی را به عنوان راهبرد آسیایی خود در نظر گرفت.

مصون‌سازی پکن در دو لایه تنظیم شده است. لایه اول مربوط به آمریکاست که در دو بعد خود را نشان داده است: بعد اول به وابستگی متقابل پکن و آمریکا مربوط می‌شود که چین درصدد حفظ و بهره‌برداری از آن در راستای تداوم قدرت‌یابی خود است و بعد دوم به نگرانی‌های امنیتی فزاینده چین در باره تهدیدات آمریکا مربوط می‌شود که ممکن است پکن را در رویارویی مستقیم با آمریکا قرار دهد. این دو ملاحظه باعث شده است چین به مدیریت روابط و اجتناب از رقابت ژئوپلیتیکی با آمریکا مبادرت ورزد.

لایه دوم استراتژی مصون‌سازی چین به واکنش به اقدامات آمریکا در محیط پیرامونی چین یعنی جنوب شرق آسیا مرتبط است. در این مسیر پکن سعی نموده با اتخاذ «رویکرد اطمینان‌بخشی» بر چالش‌هایی که آمریکا در سطح منطقه برای پکن ایجاد نموده فایق آمده و هر گونه ائتلاف علیه چین را تضعیف نماید.

تجربه چین در اتخاذ استراتژی مصون‌سازی الگوی مفیدی برای کشورهای است که در شرایط مشابه با این کشور قرار دارند. این تجربه نشان می‌دهد که چگونه رهبران خردمند می‌توانند در هنگامه‌ای که منافع ملی کشور آسیب‌پذیر است، با اتخاذ استراتژی مناسب، کشور خود را از گزند حوادث مصون نگه دارند.

منابع

- آقایی، سیدداوود و علیرضا اکبریان (۱۳۹۶)، تعامل یا تقابل چین با آمریکا در خلیج فارس؟، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، ش ۲، صص ۲۹۳-۳۱۳.
- تقی‌زاده‌انصاری، محمد و سجاد بهرامی‌مقدم (۱۳۹۵)، چین، همسایگان و قدرتهای بزرگ، تهران، نشر سخنواران.
- فو، یینگ (۱۴۰۰)، *جهان از نگاه چین*، ترجمه: محمدرضا مجیدی و علیرضا ثمودی، ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قلخان‌باز، خلیل، عنایت‌الله یزدانی و شهروز ابراهیمی (۱۴۰۲)، رقابت استراتژیک آمریکا و چین و تأثیر آن بر سیاست هندو-پاسفیک ایالات متحده؛ درس آموخته‌های راهبردی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال پانزدهم، شماره سوم، صص ۵۶-۲۹.
- شیرغلامی، خلیل (۱۴۰۱)، کنگره حزب کمونیست چین: تثبیت پارادایم شی در حکمرانی، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۷ آبان.
- مجیدی، محمدرضا و علیرضا ثمودی (۱۴۰۲)، مفهوم راهبردی جدید ناتو و امنیت اروپا، فصلنامه سیاست، دوره ۵۳، شماره ۱، صص ۱۸۷-۲۱۳.
- Afridi, Hikmat Shah (2019), Sino-US Strategic Interests In Post Cold War Era: A Case Study Of Asia-Pacific, *International Islamic University*, Islamabad.
- Arduino, Alessandro & Gong, Xue (2018), Securing the Belt and Road Initiative: Risk Assessment private securing and special insurances along the new wave of Chinese out bound investments, *Palgrave (Macmillan)*.
- Bhattacharya, Abanti (2016), Conceptualizing the Silk Road Initiative in China's periphery policy, *East Asia*, Vol:33, Issue:4 (Sage).
- Ciorciari, John D & Jurgen Haacke (2019), Hedging on international relation: An introduction, *International Relation of the Asia-Pacific*, Vol: 19, Issue:3, 367-384 Castro, R.C. De (2019), From Rebalancing to Competition: The Trump Administration's Grand Strategy for the Indo-Pacific Region, *Tamkang Journal of International Affairs*, [http://dx.doi.org/10.6185/TJIA.V.201904_22\(4\).0001](http://dx.doi.org/10.6185/TJIA.V.201904_22(4).0001), 1-50.
- CARI (2018), China's Belt and Road Initiative (BRI) and Southeast Asia, Cimb Asean Research Institute, *Lse Ideas-Cari Special Report*, October 2018, 1-52.
- Das, Khanindra Ch (2017), The Making of One Belt One road and Dilemmas in South Asia, *China Report* (Sage), Vol: 53, No: 2, 87-106. <https://doi.org/10.1177/0009445517696624>.
- Elena, Atanassova_Cornelis (2011), Reshaping the east Asian security order: US-China Hedgin and the Eu Strategic Choices, *Institute of International relation and Are studies*, Vol:10, 219-241.
- Frost, Frank (1997), United States-China Relations and the Clinton-Jiang Summit, *Foreign affairs, defense and trade group*, 29 october, 31-56.
- Fangfei, Jiang (2019), The Nature Of Trump's China Policy: An Evolution Of The Us "Hedging Strategy" Towards China, *European American Journal*, Vol.5, No.5, 198-219. Doi: <https://doi.org/10.37745/ijrmmcs.15>.
- Feng, Liu (2016), China security strategy to ward East Asia, *The China Journal of International Politics*, Vol: 9, No:2, 151-179. <http://dx.doi.org/10.1093/cjip/pow003>.
- Feng, Zhu, Huang Renwei & Hu Bo (2017), Competing Perspectives between China and the United States in the Asia-Pacific and the Path for Mitigation, (China-US Relations: Exploring a New Pathway to A Win-win Partnership), *Center for Strategic International Studies (CSIS)*, 1-72.

- Fravel, M. Taylor (2019), *Active Defense China's Military strategy since 1949*, Princeton university press.
- Fravel, M. Taylor (2024), China Global Security Initiative at Two: A Journey not a Destination, *CLM*, 30 May, Issue: 80, 13-27.
- Goswami, Anubhav S (2022), "Balancing Grand Strategy for America to Offset Thucydides' Trap with China, *Journal of Strategic Security*, Volume 15, Number 2, 17-33. <https://doi.org/10.5038/1944-0472.15.2.1983>.
- Gill, B (2007), *Rising Star China new security diplomacy*, The Brooking Institution Press (Washington D, C).
- Gordon, David F, Haoyu Tong & Tabatha Anderson (2020), Beyond the Myths – Towards a Realistic Assessment of China's Belt and Road Initiative: The Security Dimension, *The International Institute for Strategic Studies*, 1-38.
- Haacke, Jurgen (2019), The concept of hedging and its application to Southeast Asia: a critique and a proposal for a modified conceptual and methodological framework, *International Relations of the Asia-Pacific*, Volume 19, 375-417. <https://doi.org/10.1093/irap/lcz010>.
- Hameed, Ali Hussien & Hamza Raheem AL. Mufarge (2022), Contemporary Global Security Strategies and The Manifestations of Major Powers: Hedging Strategy as A Model, *Journal of Positive School Psychology*, Vol: 6, No: 9, 4339-4349.
- He, Kai & Huiyun Feng (2023), *After Hedging for the Ind-Pacific States Between the us and china*, Cambridge University Press, 1-74. Online ISBN: 9781009420570.
- Jackson, Van (2014), Power, trust and network complexity: three logics of hedging in Asian Security, *International Relations of the Asia-Pacific*, Volume 14, Issue 3, 331-356. <https://doi.org/10.1093/irap/lcu005>.
- Jalil, Ghazala Yasmin (2019), China's Rise Offensive or Defensive Realism, *Strategic Studies*, Vol.39, No.1, 41-58. <https://doi.org/10.53532/ss.039.01.00118>.
- Jung, Sung chul, Jaehyon Lee & Ji-yong Lee (2021), The Indo-Pacific Strategy and US Alliance Network Expandability: Asian Middle Powers' Positions on Sino-US Geostrategic Competition in Indo-Pacific Region, *Journal of Contemporary China* (Routledge), Vol:30, Issu:127, 53-68. <https://doi.org/10.1080/10670564.2020.1766909>.
- Kuik, Cheng-Chwee (2021), Getting hedging right: a small-state perspective, *China International Strategy Review*, No.3, 300-315. <https://doi.org/10.1007/s42533-021-00089-5>.
- Kuik, Cheng-Chwee (2022), Shades of grey: riskification and hedging in the Indo-Pacific, *The Pacific Review*, (Routledge), 1-34. <https://doi.org/10.1080/09512748.2022.2110608>.
- Khalid, Iram (2017), China's one Belt One Road initiative toward mutual Peace and development, *Journal of research society of Pakistan*, Vol: 54, No: 1,1-20. <https://doi.org/10.4236/oalib.1110055>.
- Lim, Yves-Heng (2020), China's rising naval ambitions in the Indian Ocean: aligning ends, ways and means, *Asian Security*, Vol: 16, No: 3, 396-412. <https://doi.org/10.1080/14799855.2020.1721469>.
- Lin, Bonny, Michael S Chase, Jonah Blank, Cortez A. Cooper III, Derek Grossman, Scott W. Harold, Jennifer D. P. Moroney, Lyle J. Morris, Logan Ma, Paul Orner & et al. (2020), Regional Responses to Us-china Competition in the Indo-Pacific, *Rand*, 1-156. ISBN: 978-1-9774-0518-0.
- Liff, Adam P (2018), China and Us Alliance System, *The China Quarterly*, Vol:233, 137-165. <https://doi.org/10.1017/S0305741017000601>,
- LI, Quan & Min Ye (2019), China's emerging partnership network: what, who, where, when and why, *International Trade, Politics and Development*, Vol. 3 No. 2, 66-81. <http://dx.doi.org/10.1108/ITPD-05-2019-0004>.
- Mearsheimer, John J (2010), The Gathering Storm: China Challenge to US power in Asia, *The Chinese Journal of International Politics*, Volume 3, Issue 4, 381-396. <https://doi.org/10.1093/cjip/poq016>,
- Muni, S D & Vivek Chadha (2014), Asian Strategic Review 2014 Us Pivot And Asian Security, *Institute For Defence Studies & Analyses New Delhi (Idsa)*, ISBN 978-81-8274-769-2, 1-272.

- Mursitama, Tirta nugrah & Yi Ying (2020), Indonesia's Perception and Strategy toward China's OBOR Expansion: Hedging with Balancing, *The Chinese Economy*, 1-15. <http://dx.doi.org/10.1080/10971475.2020.1809816>.
- NIDS China Security Report 2018 (National Institute for Defense Studies, Japan), (2018), *The China-US Relationship at a Crossroads*, Security Studies Department the National Institute for Defense Studies, ISBN978-4-86482-060-8, 1-91
- Rasooli saniabadi, Elham (2019), Comparative Analysis of U.S. 2017 National Security Strategy Document towards China and Iran, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 14, No 4, 188-208. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354331.1397.14.52.10.2>.
- Rudolph, Rachael M (2018), Framing Sino-American military relations: The power and problem of perception in preventing geostrategic security cooperation between China and the United States, *Asia & the Pacific Policy Studies*, Vol: 5, <https://doi.org/10.1002/app5.236>, 182-195.
- Sipri, Stockholm International Peace Reserch Institute (2023), <https://www.sipri.org/>
- Tang, shiping (2010), "A Theory of security strategy for our time defensive realism", Palgrave Macmillan.
- Tan, Wayne & Jenn-Jaw Soong (2023), The Political Economy of India and Its Strategic Choice under USA-China Power Rivalry and Hegemonic Competition: A Defensive Hedging Policy, *The Chinese Economy*, Vol. 56, No. 4, 271-280. <https://doi.org/10.1080/10971475.2022.2136691>,
- Telci, Ismail Numan & Mehmet Rakipoglu (2021), Hedging as a Survival Strategy for Small States: The Case of Kuwait, *All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace*, V10, N2, 213-229. DOI:10.20991/allazimuth.960945.
- Tuysuzoglu G & Cenk Ozgen (2020), The Relationship between the 21st Century Maritime Silk Road Initiative and Chinese Naval Strategy, *Alanya Academic Review Journal*, Vol:4, No:2, 283-303. <http://dx.doi.org/10.29023/alanyaakademik.673794>.
- United stats Census Bureau (2023), U.S. Census Bureau Releases 2018- 2022 ACS_Year Estimates, <https://www.census.gov/>
- Yaqing, Qin (2014), Continuity through change: background knowledge and China International strategy, *The Chines Journal of International Politics*, Vol:7, No:3, 285-314. <https://doi.org/10.1093/cjip/pou034>.
- Yan, Xetong & Haixia Qi (2012), Fotball Game Rather than Boxing Match: China-US Intensifying Rivalry Does Not Amount to cold war, *The Chinese Journal of International Politics*, Vol. 5, No.2, 105-127. <https://doi.org/10.1093/cjip/pos007>.
- Ye, Xiaodi (2020), Explaining China's Hedging to the United States' Indo-Pacific Strategy, *The China Review*, Vol.20, No.3, 205-237. <https://www.jstor.org/stable/26928117>.
- Yuzhu, Wang (2021), Hedging Strategy: Concept, Behavior, and Implications for China-ASEAN Relations, *East Asian Affairs*, Vol. 1, No: 2, 1-36. <https://doi.org/10.1142/S2737557921500121>,
- Wang, Yuan-Kang (2010), China response to the unipolar world: the strategic logic of the peaceful development, *Journal of Asian and African studies*, vol:45, No:5, 554-567. <https://doi.org/10.1177/0021909610373898>.
- Wei, Zongyou (2016), The USA and Challenges to East Asia's Security Order, in book: *China's Rise and Changing Order in East Asia*, DOI 10.1057/978-1-352-00023-8_5, 89-105.
- World Bank Group, <https://www.worldbank.org/en/businessready>
- Xing, Li (2019), Mapping China's One Belt One Road Initiative, Palgrave (Macmillan).
- Xinbo, Wu, (2020), The Trump Administration's Restructuring of China-US Relations: Ambitions and Limitations, *China International Studies*, No:83, 23-41. July/August 2020, ISSN: 1673-3258.
- Zha, Wen, (2023), Southeast Asia amid Sino-U.S. Competition: Power shift and regional order Transition, *The Chinese Journal of International Politics*, Vol 16, Issue 2, 241-261. <http://dx.doi.org/10.1093/cjip/poad006>.
- Zhao, Suisheng (2020), China's Belt- Road initiative as the Signature of President Xi Jinping Diplomacy easier said than Done, *Journal of Contemporary China*, Vol:29, No:123, 319-335. <https://doi.org/10.1080/10670564.2019.1645483>,



- Zhen, Han & T.V Paul (2020), China's Rise and Balance of Power Politics, *The Chinese Journal of International Politics*, 13(1), 1-26. <https://doi.org/10.1093/cjip/poz018>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی